

پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

(علمی-پژوهشی)

سال پنجم، شماره‌ی دوم (پیاپی ۱۲)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

هوش فرهنگی و یادگیری مهارت‌های زبان فارسی

در فارسی‌آموزان غیرایرانی

مهدی خدادادیان

عضو هیات علمی گروه آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۱)

سید مهدی ابطحی

عضو هیات علمی گروه آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۲)

چکیده

در پی گسترش فرایند جهانی شدن، حضور و زندگی در سایر کشورها و به تبع آن، تعامل با مردمی که فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت دارند، به چالشی بدل گردید که حوزه‌های مختلفی همچون تجارت جهانی، روابط بین‌الملل، آموزش زبان و غیره را درگیر نمود. تلاش جوامع انسانی برای به حداقل رساندن این چالش، منجر به ظهور مفاهیمی و راهکارهایی شد که پیدایش مفهوم هوش فرهنگی از آن جمله است. پژوهش حاضر نیز در زمره‌ی پژوهش‌هایی محسوب می‌گردد که قصد دارد با اندازه‌گیری هوش فرهنگی فارسی‌آموزان غیرایرانی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۳)، به بررسی رابطه‌ی میان این مفهوم با پیشرفت تحصیلی آنان در چهار مهارت زبانی بپردازد. به همین منظور، ۱۲۴ نفر از زبان‌آموزان مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۴) از میان ۲۶۰ زبان‌آموزی که به تازگی دوره‌ی پایه‌ی زبان فارسی را گذرانده بودند، به روش تصادفی به‌عنوان آزمودنی‌های پژوهش انتخاب گردیدند و سپس با اندازه‌گیری میزان هوش فرهنگی آنان از طریق پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷)، به تحلیل رابطه‌ی میان مؤلفه‌های چهارگانه‌ی فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری هوش فرهنگی با میزان پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان در قالب نمرات پایانی چهار مهارت زبانی آنان در مرکز آموزش زبان فارسی پرداخته شد. علاوه بر این، در این پژوهش، همبستگی میان هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن و مهارت‌های زبانی زبان‌آموزان بر حسب جنسیت و سطح تحصیلات آزمودنی‌ها نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از این است که: ۱- رابطه‌ی معناداری میان مهارت خواندن با هوش فرهنگی و دو مؤلفه‌ی رفتاری و فراشناختی آن، همچنین میان مهارت شنیدن با هوش فرهنگی و مؤلفه‌ی رفتاری آن وجود دارد. ۲- میان مهارت خواندن و معدل کل مهارت‌ها با هوش فرهنگی در گروه مردان آزمودنی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. ۳- دو مهارت خواندن و شنیدن با هوش فرهنگی در گروه آزمودنی‌های فاقد تحصیلات دانشگاهی، دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری هستند.

کلیدواژه‌ها: هوش فرهنگی، مؤلفه‌های هوش فرهنگی، مهارت‌های زبانی، فارسی‌آموزان غیرایرانی

۱. مقدمه

هوش فرهنگی^۱ که خود در نتیجه‌ی برهم‌کنش دو مفهوم هوش و فرهنگ، ایجاد گردیده، مقوله‌ای است که نخستین بار توسط ارنلی و آنگ در حوزه‌ی تجارت و کسب و کار مطرح شد، ولی امروزه به عنوان مهم‌ترین ابزاری که می‌توان آن را به‌منظور رویارویی با موقعیت‌های چندفرهنگی به کار گرفت، درصد وسیعی از معارف بشری را در محدوده‌ی انسان‌شناسی، ارتباطات، مدیریت، روان‌شناسی و غیره دربرمی‌گیرد. عوامل تسهیل‌کننده‌ی ارتباطات، گسترش روابط بین‌الملل، تحرک اقتصاد جهانی و در نتیجه، ایجاد جوامع چندفرهنگی و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی فراملیتی را می‌توان از عوامل علاقه‌مندی جامعه‌ی بشری به این عرصه‌ی جدید، قلمداد نمود.

امروزه با گسترش فرایند جهانی شدن و لزوم آشنایی با سایر فرهنگ‌ها، این حوزه که توانایی افراد را در رویارویی با جنبه‌های فرهنگی محیط نشان می‌دهد و انسان را قادر می‌سازد تا با بهره‌گیری از دانش و آگاهی، تفاوت‌های فرهنگی را تشخیص داده، به بروز رفتارهای مناسب در فرهنگ‌های متفاوت بپردازد، گسترش یافته، به تدریج وارد حوزه‌ی آموزش زبان نیز گردیده است.

هوش فرهنگی چنان‌که آنگ و همکاران (۲۰۰۷) معرفی نموده‌اند، از چهار مؤلفه^۲ یا بُعد^۳ فراشناختی^۴، شناختی^۵، انگیزشی^۶ و رفتاری^۷ تشکیل شده است و ابزار اندازه‌گیری این مفهوم و مؤلفه‌های چهارگانه‌ی آن، یک پرسش‌نامه‌ی ۲۰ سؤالی است که توسط آنگ و همکاران (همان) طراحی شده، و پایایی آن نیز بارها در پژوهش‌های مختلف به اثبات رسیده است.

پژوهش حاضر نیز در زمره‌ی پژوهش‌هایی است که در حوزه‌ی هوش فرهنگی و رابطه‌ی آن با یادگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم صورت گرفته است. با توجه به اینکه رویکردهای علمی به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، در ایران مقوله‌ای نوپا محسوب می‌گردد، پژوهش‌هایی از این دست، می‌توانند در راستای گسترش علمی آموزش زبان فارسی مهم باشند. ویژگی دیگری که بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید، داشتن ۱۲۴ آزمودنی از یازده ملیت است که این تعداد، می‌تواند در نوع خود بی‌نظیر باشد.

پرسش‌هایی که نگارندگان در این مجال در صدد پاسخ‌گویی به آن‌ها هستند، عبارت‌اند از:

۱. cultural intelligence/Cultural Quotient (CQ)

۲. در پژوهش‌های مختلف به منظور نام‌گذاری این مؤلفه‌ها از عامل، منبع، بُعد و زیرمجموعه نیز استفاده شده است. به‌علاوه، در مواردی به جای این همه، مفاهیم هوش فرهنگی فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری به کار گرفته شده است.

۳. dimension

۴. metacognitive

۵. cognitive

۶. motivational

۷. behavioral

۱- آیا میان هوش فرهنگی و هر یک از عوامل آن با میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی توسط فارسی‌آموزان غیرایرانی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

۲- آیا میان جنسیت فارسی‌آموزان غیرایرانی با هوش فرهنگی و عوامل آن و میزان یادگیری مهارت‌های فارسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

۳- آیا میان سطح تحصیلات فارسی‌آموزان با هوش فرهنگی و عوامل چهارگانه‌ی آن با میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

بر این مبنا، می‌توان یک فرضیه‌ی صفر اصلی و دو فرضیه‌ی فرعی زیر را مطرح نمود:

۱- میان هوش فرهنگی و چهار مؤلفه‌ی آن با میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی توسط فارسی‌آموزان غیرایرانی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

۲- میان جنسیت فارسی‌آموزان غیرایرانی با هوش فرهنگی و عوامل آن و میزان یادگیری مهارت‌های فارسی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

۳- میان سطح تحصیلات فارسی‌آموزان با هوش فرهنگی و عوامل چهارگانه‌ی آن و میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، پرسش‌نامه‌ی ۲۰ سؤالی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷)، به همراه راهنمای پاسخ‌گویی به آن و فرم اطلاعات فردی زبان‌آموزان (شامل جنسیت، ملیت، سن و میزان تحصیلات (دیپلم، کارشناسی و کارشناسی‌ارشد) میان ۱۲۴ زبان‌آموز مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) که به‌تازگی دوره‌ی عمومی (پایه‌ی) زبان فارسی را به اتمام رسانده بودند و به روش تصادفی از میان ۲۶۰ زبان‌آموز انتخاب گردیده بودند، توزیع، جمع‌آوری و تحلیل گردید.

همچنین به‌منظور سنجش میزان تسلط جمعیت نمونه بر مهارت‌های زبان فارسی، نمرات چهار مهارت زبانی آنان در آزمون‌های پایان دوره‌ی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶) مورد ارزیابی قرار گرفت و در پایان، نتایج به دست آمده از بررسی و تحلیل داده، ارائه گردید.

۲. هوش فرهنگی

می‌توان مفهوم هوش فرهنگی را که نخستین بار در حوزه‌ی تجارت و کسب و کار، توسط ارلی و آنگ مطرح و ماندگار گردید (بنتن و کیچ، ۲۰۰۷؛ نقل از هزاره‌ای، ۱۳۹۳: ۲۷)، مفهومی قدیمی دانست که در قالب نظریه‌ای جدید پا به عرصه‌ی ظهور گذاشته است. در پشت این نظریه، معانی و مفاهیم متعددی همچون

فرهنگ و روش‌های اکتساب آن، مفاهیم مرتبط با هوش انسان و غیره وجود دارد و می‌توان اذعان نمود که امروزه هوش فرهنگی که خود نقطه‌ی تلاقی دو مفهوم هوش و فرهنگ محسوب می‌گردد، درصد وسیعی از معارف بشری را در محدوده‌ی انسان‌شناسی، ارتباطات، مدیریت، روان‌شناسی و غیره ایجاد نموده است. عوامل تسهیل‌کننده‌ی ارتباطات، گسترش روابط بین‌الملل، تحرک اقتصاد جهانی و درنتیجه، ایجاد جوامع چندفرهنگی و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی فراملیتی را می‌توان از عوامل علاقه‌مندی جامعه‌ی بشری به این عرصه‌ی جدید، قلمداد نمود (تریاندیس، ۲۰۰۶).

ارلی و همکاران (۲۰۰۲) هوش فرهنگی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «هوش فرهنگی نوعی توانایی است که فرد را قادر می‌سازد در موقعیت‌های مختلف فرهنگی، نقش فعالی ایفا نماید». این نوع از هوش، توانایی‌های افراد را در رویارویی با جنبه‌های فرهنگی محیط، نشان می‌دهد (آلن و هیگینز، ۲۰۰۵) و انسان را قادر می‌سازد تا با بهره‌گیری از دانش و آگاهی، تفاوت‌های فرهنگی را تشخیص داده، به بروز رفتارهای مناسب در فرهنگ‌های متفاوت بپردازد (تریاندیس، ۲۰۰۶).

معمولاً مفهوم هوش فرهنگی از منظر پژوهشگران این حوزه، در ارتباط با عوامل، عناصر، ابعاد یا اجزایی شکل گرفته است. به عبارت دیگر، هوش فرهنگی یک سازه‌ی چندبعدی متراکم محسوب می‌گردد که محققان مختلف برای این سازه، ابعاد سه و چهارگانه قائل بوده‌اند. به‌عنوان نمونه، تعریف توماس (۲۰۰۶) از هوش فرهنگی بر پایه‌ی سه جزء دانش^۱، هوشیاری^۲ و رفتار^۳ شکل گرفته است که در این میان، هوشیاری به این دلیل که حلقه‌ی واسط میان دو جزء دیگر است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. وی دانش را به معنی اطلاع از فرهنگی خاص قلمداد می‌کند و معتقد است دانش، انسان را قادر به ساختن نقشه‌ای ذهنی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و مفروضات رفتاری می‌کند و درنهایت، منجر به بروز رفتار خاصی می‌شود که از رفتار دیگران متمایز است. از نظر وی، هوشیاری فرایندی فراشناختی است که به‌منظور دستیابی به یک ذهنیت جدید، به جستجو و بررسی جنبه‌ها و چشم‌اندازهای متفاوت ذهن می‌پردازد. این فرایند همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، موجب ایجاد پیوند میان دانش و رفتار متناسب با وضعیت موجود می‌شود و نهایتاً منجر به آشکار شدن رفتار برخاسته از هوش فرهنگی می‌شود. بخش سوم، توانایی بروز رفتاری است که با موقعیت و انتظارات افراد در فرهنگ‌های متفاوت، هماهنگ باشد. این رفتار، کاملاً منطبق بر راهبرد فراشناختی «هوشیاری» است که فرد را از به‌کارگیری دانش متناسب با موقعیت، مطمئن می‌سازد. بر این مبنا، توماس افرادی را از هوش فرهنگی بالا برخوردار می‌داند که به غیر از شناختن فرهنگ‌های بیگانه و

1. knowledge

2. mindfulness

3. behavior

توجه به حالات درونی و وضعیت بیرونی حاکم بر خود، بتوانند رفتاری متناسب با موقعیت‌هایی که شکل می‌گیرد، ارائه دهند.

ان‌جی و ارلی (۲۰۰۶) نیز برای هوش فرهنگی سه منبع (بعد) متصورند: نخست، منبع شناختی‌فراشناختی یا سر^۱ که در بردارنده‌ی یادگیری باورها، عادات و رفتارهای اجتماعی فرهنگ‌های خارجی است. به این ترتیب که بخش شناختی، شناخت فرهنگ‌های مختلف را دربرمی‌گیرد و بخش فراشناختی، با راهبردهای شناختی به اکتساب و توسعه‌ی روش‌هایی برای کنار آمدن با تفاوت‌های فرهنگی منجر می‌شود. دوم، منبع جسمانی- رفتاری^۲ یا بدن^۳ که شامل فهرستی از رفتارهای مناسب فرهنگ مورد نظر است. به این ترتیب که شناخت ما از آن فرهنگ، محدود به تجزیه و تحلیل اجزای آن نیست، بلکه رفتار ما نشان‌دهنده‌ی ورود آن فرهنگ در ذهن و روح ما شده و ما توانسته‌ایم به دنیای کاربران آن فرهنگ وارد شده، مانند آن‌ها عمل کنیم. سوم، منبع عاطفی- انگیزشی^۴ یا قلب^۵ که لازمه‌ی اثرگذاری بر افراد در فرهنگ جدید را اعتماد به نفس و اعتقاد به خود در آن فرهنگ می‌داند. بنابراین، می‌توان این منبع را شامل خواسته‌ها، نیازها و اثر آن‌ها بر افراد فرهنگ دیگر دانست.

آنگ و ون‌داین (۲۰۰۹: ۲۵ و ۲۶) چهار توانایی^۶ را برای هوش فرهنگی در نظر گرفته‌اند: نخست، توانایی انگیزشی که علاقه و اعتماد به نفس فرد را در نقش‌آفرینی مؤثر در موقعیت‌های مختلف فرهنگی به ارمغان می‌آورد و دربردارنده‌ی علاقه‌ی ذاتی یا درونی است که منجر به لذت بردن از تجربه‌ی فرهنگ‌های گوناگون می‌شود، و علاقه‌ی بیرونی که به فرد اجازه می‌دهد تا با کسب تجربه‌های فرهنگی مختلف، بتواند با اعتماد به نفس بیشتری به ایفای نقش‌های مؤثری در موقعیت‌های مختلف فرهنگی بپردازد. دوم، توانایی شناختی که به دانش افراد در تشخیص تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگ‌های مختلف اشاره نموده، اطلاع آن‌ها از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، اعتقادات مذهبی و همچنین آگاهی از ساختار زبان‌ها و شیوه‌ی بیان رفتارهای غیرکلامی را دربرمی‌گیرد. توانایی فراشناختی که به‌عنوان سومین توانایی هوش فرهنگی توسط آنگ و ون‌داین مطرح می‌گردد، به آگاهی از دانش فرهنگی خود فرد و برنامه‌ریزی وی جهت مواجهه با فرهنگ‌های بیگانه معطوف می‌شود و فرد را قادر می‌سازد در تجربه‌های مختلف فرهنگی، احساسات خود را بروز دهد و بیشتر، زمانی فعال می‌گردد که شخص در مورد افکار خود و دیگران به قضاوت می‌پردازد. چهارمین مورد، توانایی رفتاری است که به توانایی فرد در بروز رفتارهای کلامی و غیرکلامی بجا در

1. head

2. physical-behavioral

3. body

4. emotional-motivational

5. heart

6. capability

فرهنگ‌های مختلف اشاره دارد. تسلط بر این توانایی، مستلزم تسلط بر مجموعه‌ای از پاسخ‌های رفتاری متناسب با موقعیت‌های مختلف است.

ون‌داین و همکاران (۲۰۱۰) نیز بر الگوی آنگ و ون‌داین (۲۰۰۹) تأکید می‌ورزند و بر این باورند که مدل هوش فرهنگی، ریشه در چهارچوب چهارمؤلفه‌ای انگیزشی، شناختی، فراشناختی و رفتاری دارد و هر یک از این مؤلفه‌ها با هم در ارتباط‌اند. آن‌ها معتقدند که عامل انگیزشی، دربردارنده‌ی علاقه، اعتماد و ایجاد سازگاری بین فرهنگی است. عامل شناختی در بردارنده‌ی میزان اطلاعات افراد درخصوص هوش فرهنگی و راه‌های تغییر فرهنگ آنان از یک بافت به بافت دیگر است. این عامل همچنین بر اساس میزان فهم افراد از فرهنگ و طریقه‌ی شکل دادن به تفکر و فرهنگ آن‌ها ایجاد می‌گردد و یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن، فهم نظام‌های فرهنگی و مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی در ارتباط با جوامع مختلف است. آنان نیز سومین عامل را عامل فراشناختی می‌دانند که خود، شامل آگاهی^۱، برنامه‌ریزی^۲ و کنترل^۳ می‌شود. آگاهی به معنای اطلاع از رویدادی است که برای ما و دیگران اتفاق می‌افتد. برنامه‌ریزی را می‌توان زمان‌بندی برای رویارویی با مسائل میان فرهنگی و پیش‌بینی چگونگی برخورد با مردم، موضوعات و موقعیت‌هایی که در سایر جوامع فرهنگی رخ می‌دهد، قلمداد نمود و کنترل، مقایسه‌ی انتظارات ما با آن چیزی است که در حوزه‌ی میان فرهنگی واقعاً اتفاق می‌افتد. عامل چهارم، عامل رفتاری است که تغییر رفتارهای کلامی و غیرکلامی مناسب در هنگام رویارویی با دیگر فرهنگ‌ها را توجیه می‌نماید. این عامل، شامل توانایی انعطاف‌پذیری در برابر رفتارهای کلامی و غیرکلامی افراد در سایر فرهنگ‌ها است.

جدول ۱، نظر پژوهشگران مختلف را درخصوص هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن به تصویر کشیده است (هزاره‌ای، ۱۳۹۳: ۳۴ و ۳۵).

جدول ۱. ابعاد هوش فرهنگی از دیدگاه پژوهشگران مختلف

ابعاد و زیرابعاد	پژوهشگر و سال	
عنصر شناختی، عنصر انگیزشی و عنصر رفتاری	ارلی و آنگ (۲۰۰۳)	سنجیدی
شناختی (عقل / سر)، فیزیکی (جسم) و احساسی / انگیزشی (قلب)	ارلی و موساکوفسکی (۲۰۰۴)	
آگاهی یا هوشیاری دائمی، فهم فرهنگی و مهارت / رفتار هوش فرهنگی	بوچر (۲۰۰۸)	
شناختی، هیجانی و عملیاتی	الیزابت پلام (۲۰۱۰)	
هوش فرهنگی سازمانی دارای سه قابلیت است: فرایندها، موقعیت‌ها و مسیرها	مون (۲۰۱۰)	چهاربندی
هوش بین‌فردی، هوش فضایی / فاصله‌ای، هوش درون‌فردی و هوش زبانی	پترسون (۲۰۰۴)	
دانش / شناخت هوش فرهنگی، استراتژی هوش فرهنگی، هوش فرهنگی انگیزشی و هوش فرهنگی عملکردی / رفتاری	لیورمور (۲۰۱۱)	
هوش فرهنگی فراشناختی، هوش فرهنگی شناختی، هوش فرهنگی رفتاری و هوش فرهنگی انگیزشی	آنگ، ون‌داین، کوه، تمپلر و تای (۲۰۰۷)؛ ون‌داین، آنگ و لیورمور (۲۰۰۹)؛ کوه، ان‌جی، ون‌داین و آنگ (۲۰۱۲)	

1. awareness
2. planning
3. checking

۳. پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون تحقیقات گسترده‌ای درخصوص موضوع این پژوهش صورت گرفته که بخش وسیعی از آن را پژوهش‌های ایرانیان به خود اختصاص می‌دهند، اما نکته‌ی حائز اهمیت این است که به جز یک مورد (عباسیان، ۱۳۹۲) که روی فارسی‌آموزان غیرایرانی (آن هم با موضوعی متفاوت) انجام شده، تمامی آن‌ها بر روی ایرانیان انگلیسی‌آموز، یا سایر ملیت‌ها و زبان‌ها صورت پذیرفته است. از این رو می‌توان اظهار داشت که پژوهش‌های حوزه‌ی هوش فرهنگی در زمینه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، غنی نیست.

عباسیان پژوهشی را با هدف بررسی رابطه‌ی میان هوش فرهنگی و توانش ارتباطی در غیرفارسی‌زبانان انجام داده است. در این پژوهش که جامعه‌ی آماری آن را ۴۰ فارسی‌آموز خارجی دارای دو سطح تحصیلات دانشگاهی و فاقد آن، از هر دو جنس و با سطح مهارت مبتدی و متوسط از مرکز آموزش زبان فارسی شهر مشهد تشکیل می‌دادند، هوش فرهنگی و عوامل آن (شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری) و توانش ارتباطی از دو منظر (ارتباطات بین‌فرهنگی و ارتباطات ناقص) از طریق پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به دست آمده از پژوهش، حاکی از آن است که رابطه‌ی هوش فرهنگی با ارتباطات بین‌فرهنگی مثبت و معنادار و با ارتباطات ناقص، منفی و معنادار است. بدین معنا که فارسی‌آموزانی که از هوش فرهنگی بالاتری برخوردار هستند، در ارتباطات بین‌فرهنگی خود موفق‌تر عمل کرده و ارتباطات ناقص^۱ و در نتیجه، درک همراه با سوءتفاهم کمتری را تجربه می‌کنند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که عامل هوش فرهنگی رفتاری، از قابلیت بیشتری در پیش‌بینی ارتباطات بین‌فرهنگی برخوردار می‌باشد و در متغیر جنسیت، تنها در ارتباطات ناقص، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین ارتباطات ناقص زنان بیشتر از مردان است و در متغیر میزان تسلط بر زبان فارسی در دو گروه مبتدی و متوسط، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دیده نشد و در متغیر سطح تحصیلات، فارسی‌آموزان خارجی با تحصیلات دانشگاهی، نسبت به افراد گروه دبیرم از هوش فرهنگی رفتاری بالاتری برخوردار بودند (عباسیان، ۱۳۹۲).

قنسولی و شالچی (۲۰۱۳) در پاسخ به این پرسش که آیا میان ضریب هوش فرهنگی و توانایی نگارش به زبان خارجی، رابطه وجود دارد یا خیر، دست به پژوهشی در این زمینه زدند. آنان پس از اینکه آزمون نگارش مربوط به ۱۰۴ تن از ایرانیانی که در آموزشگاه‌های شهر مشهد، زبان انگلیسی یاد می‌گرفتند را بر مبنای ۳ معیار روانی، پیچیدگی و دقت، تصحیح نمودند، به برگزاری آزمون استاندارد ۲۰ سؤالی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷) پرداختند. نتایج پژوهش آنان حاکی از این است که میان مؤلفه‌ی

^۱. incomplete communications

شناختی هوش فرهنگی با توانایی نگارش و روانی آن، رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ اگرچه به‌طور کلی نمی‌توان بر مبنای نتایج این تحقیق، وجود رابطه‌ی معنادار بین هوش فرهنگی و توانایی نگارش به زبان دوم را به اثبات رساند.

قنسولی و گل‌پرور (۲۰۱۲) به بررسی رابطه‌ی میان هوش فرهنگی و دو مهارت تولیدی سخن گفتن و نگارش در قالب برگزاری آزمون آیلتس پرداختند. آنان با پژوهش درخصوص قدرت پیش‌بینی‌کنندگی چهار مؤلفه‌ی هوش فرهنگی فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری روی ۸۳ تن از ایرانیانی که در آموزشگاه‌های مشهد مشغول یادگیری زبان انگلیسی بودند، به این نتیجه دست یافتند که رابطه‌ی معناداری میان این دو مهارت زبانی با هوش فرهنگی وجود دارد. نتیجه‌ی دیگری که از این تحقیق حاصل شد، این بود که از میان چهار عامل هوش فرهنگی، عامل انگیزشی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی مهارت سخن گفتن، و عامل شناختی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی مهارت نگارش است.

قنسولی و همکاران (۲۰۱۳) رابطه‌ی میان هوش فرهنگی و مهارت شنیداری زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان خارجی بررسی نمودند. آزمودنی‌های آنان شامل ۸۷ زبان‌آموز (۵۴ زن و ۳۳ مرد) با میانگین سنی ۲۱ سال بود که در آموزشگاه‌های شهر تهران مشغول به تحصیل زبان انگلیسی بودند. آنان با برگزاری آزمون شنیداری آیلتس و اجرای پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷) به این نتایج دست یافتند که هوش فرهنگی نمی‌تواند عملکرد زبانی زبان‌آموزان را در درک مهارت شنیداری آنان پیش‌بینی نماید. همچنین دو عامل فراشناختی و شناختی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری نسبت به دو عامل انگیزشی و رفتاری برخوردارند.

بررسی نقش هوش معنوی^۱ و هوش فرهنگی در موفقیت تحصیلی ۲۷۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر زبان انگلیسی که در مشهد و بجنورد مشغول به تحصیل بودند و همچنین یافتن اینکه کدام‌یک از این دو هوش (معنوی یا فرهنگی) نقش پیش‌بینی‌کننده در موفقیت زبانی دانشجویان رشته‌ی زبان انگلیسی دارد، موضوع پژوهشی است که توسط خجسته‌پور (۲۰۱۴) اجرا گردید. در این راستا، دو پرسش‌نامه‌ی تکمیل‌شده‌ی هوش معنوی و هوش فرهنگی به همراه معدل دوره‌ی تحصیل دانشجویان، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق، حاکی از آن بود که هوش فرهنگی در مقایسه با هوش معنوی، نقش معنادارتری در موفقیت زبانی دانشجویان رشته‌های انگلیسی دارد. علاوه بر این، در میان زیرگروه‌های هوش فرهنگی، می‌توان هوش فرهنگی فراشناختی و انگیزشی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ی هوش معنوی مطرح نمود و در مبحث جنسیت، برخورداری دانشجویان پسر از هوش فرهنگی، در مقایسه با دانشجویان دختر قابل توجه بود.

1. spiritual intelligence/Spiritual Quotient (SQ)

شمس‌زاده رابطه‌ی میان هوش فرهنگی (و چهار زیرمجموعه‌ی آن) و هوش هیجانی را با میزان استرس خواندن و نیز تمایل به خواندن متون انگلیسی در بین ۱۵۱ تن از دانشجویان سال آخر دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی آموزش زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد (۶۸,۸ درصد زن و ۳۱,۲ درصد مرد) با میانگین سنی ۲۳,۷۳ سال مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که رابطه‌ی معناداری میان میزان هوش فرهنگی دانشجویان و فاکتور استرس خواندن و همچنین میزان تمایل به خواندن متون انگلیسی برقرار می‌باشد. همچنین زیرمجموعه‌ی (عامل) فراشناختی هوش فرهنگی، به‌عنوان بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان استرس خواندن در میان دانشجویان زبان انگلیسی مطرح است (شمس‌زاده، ۲۰۱۵).

پیوندی (۲۰۱۱) در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی میان هوش فرهنگی و بهره‌ی هوشی با مهارت نوشتاری بزرگسالان انگلیسی‌آموز پرداخته است. به همین منظور، ضمن توزیع پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی آنگ و بهره‌ی هوشی ماتریس در میان ۱۵۹ زبان‌آموز بزرگسال سطح پیشرفته، برای تعیین توانایی نوشتاری آنان، یک موضوع از آزمون آی‌بی‌تی به آن‌ها داده شد و سپس انشاهای آنان بر اساس معیارهای واژگان، دستور، انسجام و ارتباط، نمره‌گذاری گردید. نتایج تحقیق حاکی از این بود که بهره‌ی هوشی نمی‌تواند به‌عنوان یک عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی مهارت نوشتاری انگلیسی‌آموزان ایرانی مطرح باشد. به‌علاوه، تنها دو عامل هوش فرهنگی رفتاری و انگیزشی می‌توانند به‌طور معنادار، مهارت نوشتاری زبان‌آموزان را پیش‌بینی نمایند که از میان این دو نیز، عامل هوش فرهنگی انگیزشی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بهتری دارد.

رفیعی و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی هوش فرهنگی ۶۰ تن از دانشجویان سطح پیشرفته‌ی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه زنجان در پاسخ‌گویی به آزمون شنیداری آیلتس پرداختند. به همین منظور، از تست آکسفورد برای همگن‌سازی آنان استفاده گردید و هوش فرهنگی آنان نیز با پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷) سنجیده شد. نتیجه‌ی تحلیل داده‌ها حاکی از این بود که رابطه‌ی معناداری میان هوش فرهنگی آزمودنی‌ها با توانایی آنان در پاسخ‌گویی به آزمون شنیداری آیلتس وجود دارد.

بائز (۲۰۱۲) ضمن برگزاری آزمون استاندارد ۲۰ سؤالی هوش فرهنگی آنگ و همکاران در قالب پیش‌آزمون بر روی ۴۶ نفر از زنان و مردان انگلیسی‌زبانی که قصد گذراندن دوره‌ی زبان اسپانیولی در دانشگاه ایندیانا داشتند و سپس اجرای دوباره‌ی آن در پایان دوره‌ی تحصیل به‌عنوان پس‌آزمون، به این نتیجه دست یافت که آزمودنی‌ها پس از گذراندن دوره‌ی زبان اسپانیولی، در سه منبع هوش فرهنگی شناختی، انگیزشی و رفتاری، تفاوت معناداری پیدا کرده‌اند؛ حال آنکه در حوزه‌ی فراشناختی، بین قبل و بعد از یادگیری زبان اسپانیولی، تغییر محسوس و معناداری مشاهده نگردید.

همان‌گونه که مشاهده شد، نتایجی که از پژوهش‌های ارائه شده در بخش پیشینه به دست آمده، نه تنها تماماً همگون نیستند، بلکه در بعضی مواقع حاوی اطلاعاتی ضد و نقیض هستند.

۴. روش پژوهش

۴.۱. روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ی ۲۰ سؤالی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷) در میان ۱۲۴ زبان‌آموز مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) توزیع گردید. این زبان‌آموزان به روش تصادفی از میان ۲۶۰ زبان‌آموزی که به تازگی دوره‌ی پایه‌ی زبان فارسی را گذرانده و در امتحانات پایان دوره‌ی مرکز آموزش زبان فارسی شرکت نموده بودند، به‌عنوان آزمودنی‌های پژوهش انتخاب شدند. بر این مبنای ۱۲۴ پرسش‌نامه‌ی تکمیل شده به همراه فرم اطلاعات فردی زبان‌آموزان (شامل جنسیت، ملیت، سن و میزان تحصیلات (دیپلم، کارشناسی و کارشناسی‌ارشد) از آزمودنی‌ها جمع‌آوری و تحلیل گردید. آزمودنی‌های این تحقیق را زبان‌آموزانی با ملیت‌های متفاوت شامل ۵ فلسطینی، ۴ آذربایجانی، ۲۰ تاجیک، ۴ ترکیه‌ای، ۱ نفر چادی، ۳۲ نفر چینی، ۳۲ نفر سوری، ۱ نفر عراقی، ۲ نفر عمانی، ۲۲ نفر لبنانی و ۱ زبان‌آموز نیجریه‌ای از هر دو جنس، با سطح تحصیلات متفاوتِ دیپلم، کارشناسی و کارشناسی‌ارشد و به تبع آن، سنین متفاوت تشکیل می‌دادند.

همچنین به‌منظور سنجش میزان مهارت جمعیت نمونه در زبان فارسی، نمرات چهار مهارت زبانی آنان در آزمون‌های پایان دوره‌ی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) مورد ارزیابی قرار گرفت و نمرات به دست آمده، در این تحقیق، به‌عنوان میزان تسلط آنان بر مهارت‌های زبان فارسی مورد استفاده قرار گرفت.

۴.۲. ابزار پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره گردید، به‌منظور سنجش هوش فرهنگی آزمودنی‌های این پژوهش، از پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷) استفاده شده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۰ پرسش است که با بهره‌گیری از سنجه‌ی پیوستار ۷ گزینه‌ای «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق»، چهار مؤلفه‌ی هوش فرهنگی فراشناختی (پرسش‌های ۱ تا ۴)، هوش فرهنگی شناختی (پرسش‌های شماره‌ی ۵ تا ۱۰)، هوش فرهنگی انگیزشی (پرسش‌های ۱۱ تا ۱۵) و هوش فرهنگی رفتاری (پرسش‌های ۱۶ تا ۲۰) را در راستای سنجش هوش فرهنگی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسش‌نامه‌ی خودارزیاب، مقیاس بیست موردی چهار عامل هوش فرهنگی خوانده می‌شود که ضرایب آلفای کرونباخ آن در ارزیابی‌های به عمل آمده توسط آنگ و

همکاران به این شرح برآورد گردیده است: عامل فراشناختی: ۷۶٪، عامل شناختی: ۸۴٪، عامل انگیزشی: ۷۶٪ و عامل رفتاری: ۸۳٪.

همچنین از این آزمون در پژوهش‌های مختلفی در ایران نیز بهره‌گیری شده و پایایی آن از سوی تعدادی از پژوهشگران ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است (هزاره‌ای، ۱۳۹۳).

نکنه‌ی حائز اهمیت در خصوص این پرسش‌نامه در پژوهش پیش‌رو این است که پژوهشگران به‌منظور کاهش ضریب خطای زبان‌آموزان در پاسخ‌گویی به پرسش‌های بیست‌گانه‌ی این پرسش‌نامه و همچنین راهنمای پاسخ‌گویی به آن و فرم طراحی شده‌ی پیوست آن به دلیل عدم درک احتمالی واژه‌ها یا عبارات فارسی و در راستای دستیابی به نتایج متقن، اقدام به درج ترجمه‌ی پرسش‌ها به سه زبان انگلیسی، چینی و عربی نیز نمودند^۱ که به این ترتیب، تنها ۸،۶ درصد از جمعیت نمونه از پاسخ‌گویی به مندرجات پرسش‌نامه به زبان مادری خود محروم بودند^۲. به‌علاوه، در راستای اجرای دقیق‌تر این پرسش‌نامه، پژوهشگران به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات احتمالی زبان‌آموزان، در طول تکمیل، در کنار آن‌ها حضور داشتند. هدف از برگزاری این آزمون (اندازه‌گیری هوش فرهنگی فارسی‌آموزان غیرایرانی) نیز پیش از شروع آزمون برای آزمودنی‌ها تشریح گردید. همچنین به‌منظور سنجش میزان تسلط جمعیت نمونه بر مهارت‌های زبان فارسی، نمرات چهار مهارت زبانی آنان در آزمون‌های پایان دوره‌ی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) مورد ارزیابی قرار گرفت.

۵. ارائه و تحلیل داده‌ها

در این بخش از پژوهش، ضمن بررسی توزیع متغیرهای جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها همچون جنسیت، ملیت و میزان تحصیلات، براساس وضعیت پاسخ‌گویی جمعیت نمونه به پرسش‌های پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی، رابطه‌ی میان مؤلفه‌های چهارگانه‌ی هوش فرهنگی با جنسیت، میزان تحصیلات زبان‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

^۱ یکی از دلایل دیگر اقدام به این امر، این بود که تعدادی از زبان‌آموزان بدین دلیل که از مهارت اندکی در زبان فارسی برخوردار بودند و به همین دلیل، در آزمون‌های پایان دوره، موفق به کسب معدل قبولی نشدند، از درک پرسش‌ها به زبان فارسی ناتوان بودند. ضمناً به‌منظور دستیابی به نتایج قابل استناد، در دو زبان عربی و انگلیسی از ترجمه‌های آماده‌ی پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی آنگ و همکاران که پایایی آن‌ها در زبان‌های مذکور سنجیده شده و در پژوهش‌هایی به اجرا در آمده بود، استفاده گردید، ولی با توجه به یافت نشدن این پرسش‌نامه در پژوهش‌های زبان چینی، ترجمه‌ی چینی آن پس از محاسبه و تأیید پایایی (ضریب ۷۲،۰) که بر روی ۱۰ نفر از آزمودنی‌های چینی به‌عنوان پیش‌نمونه اجرا شده بود، مورد استفاده قرار گرفت.

^۲ این درصد، شامل ۴ زبان‌آموز آذربایجانی، ۴ ترکیه‌ای، ۱ نیجریه‌ای و ۱ جادی (مجموعاً ۱۰ نفر) می‌باشد.

۵. ۱. آمار توصیفی

۵. ۱. ۱. وضعیت میزان تحصیلات، جنسیت و ملیت آزمودنی‌ها

در این بخش، به بررسی توزیع متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه‌ها پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در جدول ۲ نیز مشاهده می‌گردد، از تعداد ۱۲۴ زبان‌آموزی که آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند، ۹۵ نفر (۷۶٫۶ درصد) مرد و ۲۹ نفر (۲۳٫۴ درصد) زن‌اند. ۹۵ نفر از آزمودنی‌ها (۷۶٫۶ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۲۴ نفر از آنان (۱۹٫۴ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و ۵ نفر باقیمانده (۰٫۴ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد هستند (مجموعاً ۲۹ نفر، معادل ۲۳٫۴ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی). همچنین، آزمودنی‌ها از ۱۱ ملیت شامل ۵ فلسطینی، ۴ آذربایجانی، ۲۰ تاجیک، ۴ ترکیه‌ای، ۱ چادی، ۳۲ چینی، ۳۲ سوری، ۱ عراقی، ۲ عمانی، ۲۲ لبنانی و ۱ نفر اهل نیجریه می‌باشند.

جدول ۲. توزیع متغیرهای جمعیت‌شناختی

جنسیت، تحصیلات و ملیت	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۹۵
	زن	۲۹
میزان تحصیلات	دیپلم	۹۵
	کارشناسی	۲۴
	کارشناسی‌ارشد	۵
ملیت	آذربایجان	۴
	تاجیکستان	۲۰
	ترکیه	۴
	چاد	۱
	چین	۳۲
	سوریه	۳۲
	عراق	۱
	عمان	۲
	فلسطین	۵
	لبنان	۲۲
	نیجریه	۱

۵. ۱. ۲. وضعیت پاسخ‌های آزمودنی‌ها به پرسش‌های پرسش‌نامه

توزیع فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌ها به سؤالات پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی در قالب جدول ۳ به تصویر کشیده شده است. مقیاس اندازه‌گیری پرسش‌ها، طیف هفت امتیازی لیکرت (از عدد ۱ برای «کاملاً مخالف» تا عدد ۷ برای «کاملاً موافق») است. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌گردد، برای تمامی سؤالات، نظرات اکثر پاسخ‌دهنده‌ها به سمت موافق و کاملاً موافق تمایل داشته است؛ به‌گونه‌ای که به‌طور متوسط، حدود ۱۹

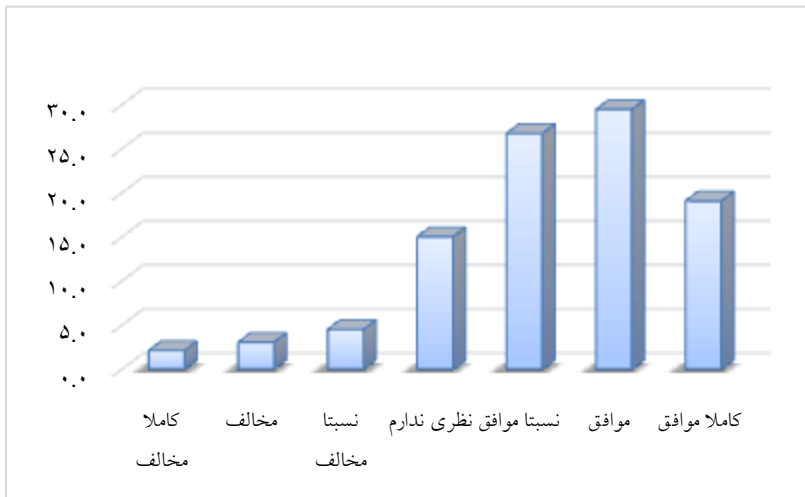
هوش فرهنگی و یادگیری مهارت‌های زبان فارسی در فارسی‌آموزان غیرایرانی / ۱۳۵

درصد، گزینه‌ی «کاملاً موافق»، ۲۹,۴۷ درصد، گزینه‌ی «موافق»، و ۲۶,۷ درصد، گزینه‌ی «تا حدودی موافق» را انتخاب کرده‌اند که این میزان، جمعاً پاسخ‌های ۷۵ درصد از کل پاسخ‌دهنده‌ها را در بر می‌گیرد.

جدول ۳. پاسخ‌های آزمودنی‌ها به سؤالات پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی

شماره‌ی پرسش	کاملاً مخالف		مخالف		تاحدی مخالف		نظری ندارم		تاحدی موافق		موافق		کاملاً موافق	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۱	۰	۰	۰	۰	۳۰	۴	۱۱	۱۴	۲۷	۳۴	۳۹	۴۹	۲۳	۱۸
۲	۳۰	۴	۱۶	۲	۵	۷	۷	۹	۲۵	۳۲	۳۷	۴۶	۲۴	۱۹
۳	۰	۰	۱۶	۲	۲	۳	۱۰	۱۰	۱۹	۲۴	۳۷	۴۷	۳۸	۳۰
۴	۱۶	۲	۲	۳	۸	۱	۱۰	۱۰	۱۶	۲۰	۴۳	۵۴	۳۴	۲۷
۵	۲۰	۳	۱۲	۱۵	۸	۱۰	۳۱	۳۹	۳۳	۴۱	۹	۱۲	۴	۳
۶	۵	۷	۴	۶	۴	۶	۱۵	۱۹	۳۶	۴۵	۲۵	۳۲	۹	۷
۷	۰	۱	۲	۳	۴	۶	۱۳	۱۷	۳۶	۴۵	۲۵	۳۱	۲۱	۱۶
۸	۳۰	۴	۵	۷	۵	۷	۳۷	۴۷	۲۹	۳۶	۱۶	۲۱	۲	۱
۹	۰	۱	۵	۵	۷	۹	۲۳	۲۹	۴۰	۵۰	۱۵	۱۹	۱۱	۸
۱۰	۱۶	۲	۱۰	۱۶	۸	۸	۳۷	۴۶	۲۷	۳۴	۱۳	۱۷	۷	۵
۱۱	۱۶	۲	۱	۱۶	۱	۲	۱۷	۲۲	۱۷	۲۲	۲۷	۳۴	۵۵	۴۴
۱۲	۱۶	۲	۱	۱۶	۰	۳	۸	۱۰	۳۳	۴۱	۲۷	۳۴	۳۶	۲۹
۱۳	۰	۱	۱۶	۲	۴	۶	۹	۱۲	۳۳	۴۱	۲۵	۳۱	۳۱	۲۵
۱۴	۳۰	۴	۳	۳	۸	۱۰	۸	۱۰	۳۱	۳۹	۲۶	۳۳	۲۵	۲۰
۱۵	۱۶	۲	۰	۱۶	۱	۲	۱۶	۲۱	۴۱	۴۹	۱۹	۲۴	۲۳	۱۸
۱۶	۲۰	۳	۱	۲۰	۵	۵	۱۸	۸	۴۱	۴۹	۱۸	۲۳	۳۲	۲۵
۱۷	۴۰	۵	۱	۴۰	۰	۴	۱۴	۱۸	۳۳	۴۱	۲۸	۳۵	۲۰	۱۶
۱۸	۳۰	۴	۵	۳	۲	۳	۱۲	۱۵	۲۵	۳۲	۲۵	۳۲	۲۵	۲۰
۱۹	۳۰	۴	۲	۳	۶	۸	۱۱	۱۴	۲۵	۳۲	۲۵	۳۲	۲۷	۲۱
۲۰	۱۶	۲	۷	۱۶	۸	۸	۱۲	۱۶	۲۶	۳۳	۲۵	۳۲	۲۶	۲۱
میانگین	۲۰	۲	۳	۳	۵	۵	۱۵	۱۸	۲۶	۳۳	۲۶	۳۳	۲۳	۱۹

نمودار ۱ نیز، توزیع پاسخ‌های نمونه‌ها به پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی را در حالت کلی نشان می‌دهد.



نمودار ۱. توزیع کلی پاسخ‌های آزمودنی‌ها به سؤالات پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی

۳.۱.۵. وضعیت پیشرفت تحصیلی (۴ مهارت زبانی و معدل) آزمودنی‌ها

جدول ۴، اطلاعات توصیفی مربوط به کمترین نمرات، بیشترین نمرات، میانگین و انحراف معیار نمرات چهار مهارت زبانی و همچنین معدل کل مربوط به ۱۲۴ نمونه‌ی مورد بررسی را نشان می‌دهد. نمرات هر مهارت، بین ۰ تا ۲۰ است و مشاهده می‌شود که نمرات مهارت «مکالمه» نسبت به «خواندن» و «شنیدن» از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است.

جدول ۴. اطلاعات توصیفی مربوط به مهارت‌های زبانی

مهارت‌های زبانی	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
خواندن	۱۲۴	۳.۵۰	۱۹.۲۵	۱۴.۱۳	۳.۳۷	۱۱.۳۵۸
شنیدن	۱۲۴	۶.۲۵	۱۹.۵۰	۱۴.۱۱	۳.۰۹	۹.۵۴۱
نگارش	۱۲۴	۰.۵۰	۲۰.۰۰	۱۵.۲۸	۳.۷۷	۱۴.۲۲۳
مکالمه	۱۲۴	۶.۷۵	۲۰.۰۰	۱۶.۲۷	۲.۵۱	۶.۳۲۴
معدل	۱۲۴	۵.۸۳	۱۹.۱۰	۱۵.۰۰	۲.۶۸	۷.۱۸۵

۴.۱.۵. نمرات مربوط به مؤلفه‌های هوش فرهنگی

همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، به هر یک از سؤالات پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی براساس پاسخ هر زبان‌آموز، براساس طیف لیکرت، امتیازی بین ۱ تا ۷ اختصاص داده شده است. این پرسش‌نامه در بردارنده‌ی ۴ مؤلفه‌ی «فراشناختی» شامل ۴ پرسش (از پرسش شماره‌ی ۱ تا ۴)، «شناختی» شامل ۶ پرسش (از پرسش شماره‌ی ۵ تا ۱۰)، «انگیزشی» شامل ۵ پرسش (از پرسش شماره‌ی ۱۱ تا ۱۵) و «رفتاری» شامل ۵

پرسش (از پرسش شماره‌ی ۱۶ تا ۲۰) است که وضعیت امتیازات مربوط به این پرسش‌نامه و همچنین هر یک از چهار مؤلفه‌ی آن در قالب جدول ۵ به تصویر کشیده شده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، متوسط امتیازات مربوط به تمامی ۴ مؤلفه، بیش از ۴٫۵ می‌باشد و کمترین امتیازات به دست آمده، مربوط به مؤلفه‌ی شناختی (با متوسط ۴٫۶۵) و بالاترین امتیازات، مربوط به مؤلفه‌ی فراشناختی (با متوسط ۵٫۶۴) است. یادآوری می‌گردد که کمترین و بیشترین امتیاز برای هر مؤلفه، به ترتیب ۱ و ۷ است.

جدول ۵. اطلاعات توصیفی امتیازات مربوط به پرسش‌نامه‌ی هوش فرهنگی و مؤلفه‌های مربوط به آن

هوش فرهنگی کل و مؤلفه‌های آن	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
هوش فرهنگی (کل)	۱۲۴	۲٫۴۵	۶٫۸۰	۵٫۲۶	۰٫۶۶	۰٫۴۴۰
مؤلفه‌ی فراشناختی	۱۲۴	۲٫۷۵	۷٫۰۰	۵٫۶۴	۰٫۸۰	۰٫۶۴۰
مؤلفه‌ی شناختی	۱۲۴	۲٫۱۷	۶٫۶۷	۴٫۶۵	۰٫۸۶	۰٫۷۳۲
مؤلفه‌ی انگیزشی	۱۲۴	۱٫۲۰	۷٫۰۰	۵٫۶۰	۰٫۹۵	۰٫۸۹۹
مؤلفه‌ی رفتاری	۱۲۴	۲٫۰۰	۷٫۰۰	۵٫۳۵	۱٫۰۲	۱٫۰۳۶

۵.۲. آمار استنباطی

در این بخش، با استفاده از روش‌های آماری مناسب، به بررسی فرضیات پژوهش پرداخته شده است.

۵.۲.۱. بررسی رابطه‌ی میان هوش فرهنگی (و مؤلفه‌های آن) با پیشرفت تحصیلی زبان‌آموزان

فرضیه‌ی اصلی پژوهش، میان هوش فرهنگی و چهار مؤلفه‌ی آن با میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی توسط فارسی‌آموزان غیرایرانی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) رابطه‌ی معناداری متصور نیست. به‌منظور بررسی این فرضیه، با توجه به کمی بودن تمامی متغیرهای مورد بررسی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۶. همبستگی میان مؤلفه‌های هوش فرهنگی و مهارت‌های زبانی زبان‌آموزان

مؤلفه‌های هوش فرهنگی	خواندن	شنیدن	نگارش	مکالمه	معدل
فراشناختی	*۰٫۱۴۹	۰٫۱۲۸	۰٫۰۸۵	۰٫۰۵۲	۰٫۱۲۰
شناختی	۰٫۰۴۷	۰٫۱۰۹	۰٫۰۳۸	۰٫۱۴۳	۰٫۱۰۰
انگیزشی	۰٫۱۲۸	۰٫۱۰۲	-۰٫۰۱۷	۰٫۰۳۹	۰٫۰۷۳
رفتاری	**۰٫۲۰۲	*۰٫۱۶۱	۰٫۱۱۷	-۰٫۰۳۶	۰٫۱۲۹
هوش فرهنگی (کل)	**۰٫۱۸۳	*۰٫۱۷۲	۰٫۰۷۷	۰٫۰۶۲	۰٫۱۴۴

* p<0.1, **p<0.05

نتایج بررسی این فرضیه در جدول ۶ خلاصه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مهارت خواندن با هوش فرهنگی و مؤلفه‌ی رفتاری آن در سطح خطای پنج درصد، و با مؤلفه‌ی فراشناختی در سطح خطای

۱۰ درصد دارای رابطه‌ی مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین میان مهارت شنیدن با هوش فرهنگی و مؤلفه‌ی رفتاری در سطح خطای ده درصد رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. بین سایر مؤلفه‌ها و مهارت‌ها، رابطه‌ی معناداری مشاهده نمی‌گردد.

۵.۲.۲. بررسی رابطه‌ی میان جنسیت آزمودنی‌ها با هوش فرهنگی و عوامل آن و میزان یادگیری مهارت‌های فارسی

به‌منظور بررسی فرضیه‌ی دوم که به نبود رابطه‌ی معنادار میان جنسیت فارسی‌آموزان غیرایرانی با هوش فرهنگی و عوامل آن و میزان یادگیری مهارت‌های فارسی قائل بود، همبستگی میان هوش فرهنگی و عوامل آن و چهار مهارت زبانی زبان‌آموزان و معدل آن‌ها یک بار برای آزمودنی‌های زن و یک بار برای آزمودنی‌های مرد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی این فرضیه که در جدول ۷ نیز آشکار است، نشان می‌دهد که مهارت خواندن و معدل کل مهارت‌ها با هوش فرهنگی در گروه مردان در سطح خطای ده درصد دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری هستند، این در حالی است که در گروه زنان، میان هیچ‌یک از مهارت‌ها و معدل کل آن‌ها رابطه‌ی معناداری با هوش فرهنگی یافت نشد.

جدول ۷. مقایسه‌ی همبستگی میان هوش فرهنگی و مهارت‌های زبانی زبان‌آموزان بر حسب جنسیت

معدل	مکالمه	نگارش	شنیدن	خواندن	هوش فرهنگی
۰.۱۸۶*	۰.۱۶۱	۰.۱۳۴	۰.۱۴۹	۰.۱۹۴*	آزمودنی‌های مرد
۰.۰۵۳	-۰.۱۸۹	-۰.۰۳۳	۰.۲۳۷	۰.۱۶۳	آزمودنی‌های زن
* p<0.1					

۵.۲.۳. بررسی رابطه‌ی میان میزان تحصیلات آزمودنی‌ها با هوش فرهنگی و عوامل آن و میزان یادگیری مهارت‌های فارسی

در این بخش به بررسی فرضیه‌ی سوم پژوهش پرداخته شده است. بر مبنای این فرضیه، میان سطح تحصیلات فارسی‌آموزان با هوش فرهنگی و عوامل چهارگانه‌ی آن و میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به‌منظور بررسی این فرضیه، همبستگی میان هوش فرهنگی و چهار مهارت زبانی زبان‌آموزان، و معدل آن‌ها یک بار برای آزمودنی‌های دیپلمه (فاقد تحصیلات دانشگاهی) و یک بار برای آزمودنی‌های دارای تحصیلات دانشگاهی کارشناسی و کارشناسی‌ارشد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی این فرضیه در جدول ۸ نشان داده شده است. همان‌گونه که در جدول نیز ملاحظه می‌گردد، مهارت خواندن در سطح خطای پنج درصد، و مهارت شنیدن در سطح خطای ده درصد با هوش فرهنگی در گروه تحصیلات غیردانشگاهی دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری هستند. این در حالی است که در گروه تحصیلات دانشگاهی، میان هیچ‌یک از مهارت‌ها و معدل آن‌ها با هوش فرهنگی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

جدول ۸. مقایسه‌ی همبستگی میان هوش فرهنگی و مهارت‌های زبانی زبان‌آموزان بر حسب تحصیلات

معدل	مکالمه	نگارش	شنیدن	خواندن	هوش فرهنگی
۰،۱۵۶	۰،۰۵۱	۰،۰۹۱	۰،۱۷۳*	۰،۲۳۰**	تحصیلات غیردانشگاهی
-۰،۰۱۱	-۰،۰۳۵	-۰،۰۵۲	۰،۱۲۹	-۰،۱۳۹	تحصیلات دانشگاهی
**p<0.05 , * p<0.1					

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه‌ی میان هوش فرهنگی و مؤلفه‌های چهارگانه‌ی آن با یادگیری زبان فارسی در فارسی‌آموزان غیرایرانی پرداخته شد. به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، پرسش‌نامه‌ی ۲۰ سؤالی هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷)، به همراه راهنمای پاسخ‌گویی به آن و فرم اطلاعات فردی زبان‌آموزان (شامل جنسیت، ملیت، سن و میزان تحصیلات (دیپلم، کارشناسی و کارشناسی‌ارشد) میان ۱۲۴ زبان‌آموز مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) که به‌تازگی دوره‌ی عمومی (پایه‌ی) زبان فارسی را به اتمام رسانده بودند، توزیع، جمع‌آوری و تحلیل گردید. همچنین به‌منظور سنجش میزان تسلط جمعیت نمونه بر مهارت‌های زبان فارسی، نمرات چهار مهارت زبانی آنان در آزمون‌های پایان دوره‌ی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایجی را که در ارتباط با فرضیه‌های پژوهش حاضر به دست آمد، می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- مهارت خواندن با هوش فرهنگی و مؤلفه‌ی رفتاری آن در سطح خطای پنج درصد، و با مؤلفه‌ی فراشناختی در سطح خطای ۱۰ درصد دارای رابطه‌ی مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین میان مهارت شنیدن با هوش فرهنگی و مؤلفه‌ی رفتاری در سطح خطای ده درصد رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. بین سایر مؤلفه‌ها و مهارت‌ها، رابطه‌ی معناداری مشاهده نمی‌گردد. بر این مبنا، فقط بخشی از فرضیه‌ی اصلی این پژوهش که بر نبود رابطه‌ی معنادار میان هوش فرهنگی و چهار مؤلفه‌ی آن با میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی در فارسی‌آموزان غیرایرانی تأکید می‌نمود، تأیید می‌گردد.

۲- فقط مهارت خواندن و معدل کل مهارت‌ها با هوش فرهنگی در گروه آزمودنی‌های مرد در سطح خطای ده درصد دارای رابطه‌ی مثبت و معنادار هستند، این در حالی است که در گروه آزمودنی‌های زن، میان هیچ یک از مهارت‌ها و معدل کل آن‌ها رابطه‌ی معناداری با هوش فرهنگی یافت نشد. بنابراین، فقط بخشی از فرضیه‌ی دوم تحقیق که به نبود رابطه‌ی معنادار میان جنسیت فارسی‌آموزان غیرایرانی با هوش فرهنگی و عوامل آن و میزان یادگیری مهارت‌های فارسی قائل بود، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۳- به جز مهارت خواندن که در سطح خطای پنج درصد و مهارت شنیدن که در سطح خطای ده درصد با هوش فرهنگی در گروه آزمودنی‌های فاقد تحصیلات دانشگاهی دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری هستند، در دو مهارت دیگر در آزمودنی‌های این گروه، رابطه‌ی معناداری با هوش فرهنگی دیده نشد. به‌علاوه، در

گروه تحصیلات دانشگاهی، میان هیچ‌یک از مهارت‌ها و معدل آن‌ها با هوش فرهنگی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بنابراین، صرفاً بخشی از فرضیه‌ی سوم پژوهش که بر نبود رابطه‌ی معنادار میان سطح تحصیلات فارسی‌آموزان با هوش فرهنگی و عوامل چهارگانه‌ی آن و میزان یادگیری مهارت‌های زبان فارسی تأکید می‌نمود، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

از آنجا که بیشتر پژوهش‌های میدانی این حوزه که در بخش ۳ بدان‌ها اشاره گردید، بر روی انگلیسی‌آموزان یا اسپانیولی‌آموزان صورت گرفته و تنها در پژوهش عباسیان (۱۳۹۲) تحقیقات میدانی بر روی فارسی‌آموزان غیرایرانی انجام شده، صرفاً به مقایسه‌ی نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیق عباسیان (همان) پرداخته می‌شود. به این ترتیب، می‌توان اظهار نمود نتایج پژوهش حاضر، با نتایج تحقیق عباسیان (همان) که وجود رابطه‌ی معنادار، میان عامل رفتاری هوش فرهنگی با تحصیلات دانشگاهی فارسی‌آموزان را تأیید می‌نماید، هم‌خوانی ندارد که این امر می‌تواند ناشی از تفاوت روش اجرای دو پژوهش (بهره‌گیری از ترجمه‌ی پرسش‌نامه‌ی آنگ و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهش پیش‌رو)، یا تفاوت سطح آزمون‌های مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۵) و مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه فردوسی مشهد باشد.

نکته‌ی دیگر در یافته‌های این پژوهش، این است که فقط میان دو مهارت دریافتی خواندن و شنیدن با هوش فرهنگی و برخی مؤلفه‌های آن رابطه‌ی معنادار وجود دارد و میان هیچ‌یک از مهارت‌های تولیدی زبان فارسی با هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن، رابطه‌ی معناداری مشاهده نمی‌شود. به‌علاوه، در مورد رابطه‌ی میزان تحصیلات و جنسیت با هوش فرهنگی و مهارت‌های زبانی نیز وضعیتی مشابه حاکم است؛ به این ترتیب که میان مهارت دریافتی خواندن با هوش فرهنگی در آزمودنی‌های مرد، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و میان دو مهارت تولیدی خوانداری و شنیداری با هوش فرهنگی در آزمودنی‌های فاقد تحصیلات دانشگاهی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تقویت هوش فرهنگی فارسی‌آموزان، بویژه دو مؤلفه‌ی رفتاری و فراشناختی آن، می‌تواند به تقویت دو مهارت دریافتی زبان، یعنی مهارت خوانداری و شنیداری بیانجامد. علاوه بر این، از منظر جنسیت نیز، تقویت هوش فرهنگی فارسی‌آموزان مرد، می‌تواند منجر به تقویت مهارت خوانداری آنان گردد. به‌علاوه، بر مبنای نتایج به دست آمده از پژوهش، به هر اندازه که هوش فرهنگی فارسی‌آموزانی که از تحصیلات دانشگاهی بی‌بهره‌اند افزایش یابد، میزان دو مهارت دریافتی خواندن و شنیدن آنان افزایش می‌یابد.

منابع:

عباسیان، ف. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی میان هوش فرهنگی و توانش ارتباطی در غیرفارسی‌زبانان (مطالعه‌ی موردی فارسی‌آموزان خارجی). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.

هزاره‌ای، ج. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر افزایش هوش فرهنگی دانش‌آموزان مهاجر افغانستانی شهر قزوین سال تحصیل ۱۳۹۲-۹۳. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع).^(۶)

- Alon, L. & Higgins, J. M.** (2005). Global Leadership Success through Emotional and Cultural Intelligence, *Business Horizons*, 48: 501-512.
- Ang, S. & Van Dyne, L.** (2009). *Handbook of Cultural Intelligence: Theory Management and Application*. ME Sharpe.
- Ang, S. Van D. L. Koh, C. Ng, K. Y. Templer, K. J. & Tay, C.** (2007). Cultural intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaptation and task performance. *Management and Organization Review*, 3: 335-371.
- Baez, D.** (2012). *Cultural intelligence in foreign language classes*. Unpublished Ph.D. Thesis, Indiana State University, Terre Haute, Indiana.
- Earley, P. C. Ang, S. & Van Dyne, L.** (2002). *Redefining interactions across cultures and organizations: moving forward with cultural intelligence*. *Research in Organizational Behavior*. Elsevier: 71-99.
- Ghonsooly, B. & Golparvar, S. E.** (2012). Examining the Predictive Power of Cultural Intelligence on Iranian EFL Learners' Performance on IELTS Speaking and Writing Modules. *In The first conference on language leaning & teaching: an Interdisciplinary Approach* (Ferdowsi university of Mashhad).
- Ghonsooly, B. Sharififar, M. Sistani, S. R. & Ghahari, S.** (2013). Cultural Intelligence in Foreign Language Learning Contexts. *Cultus*, 47.
- Ghonsooly, B. & Shalchy, S.** (2013). Cultural Intelligence And Writing Ability: Delving Into Fluency, Accuracy And Complexity. *Research on Youth and Language*, 7(2): 147-159.
- Khojasteh poor, S.** (2014). *The Role of Foreign Language Leaners' Cultural Intelligence and Spiritual Intelligence in their Language Achievement*. Master's Thesis, Ferdowsi University of Mashhad.
- NG, k-y. & Earley, P. C.** (2006). Culture + Intelligence: Old Constructs, New Frontiers. *Group & Organization Management*, 31(1): 4-19.
- Peivandi, A.** (2011). *The Relationship between CQ and IQ in Writing Ability of Adult Iranian EFL Learners*. Master's Thesis, Ferdowsi University of Mashhad.
- Rafie, A. Khosravi, R. & Nasiri, M.** (2016). An Investigation of the Relationship between Iranian EFL Learners' Cultural Intelligence and Their Performance on the IELTS Listening Modules. *Advances in Language and Literary Studies*, 7(3): 13-20.
- Shams Zadeh, Sh.** (2015). *Exploring the Effect of Cultural Intelligence and Emotional Intelligence on Reading Anxiety and Willingness to Read EFL Learners*. Master's Thesis, Ferdowsi University of Mashhad.

- Thomas, C. David.** (2006). Domain and Development of Cultural Intelligence, The Importance of Mindfulness. *Group & Organization Management*, 31(1): 78-99.
- Triandis, H. C.** (2006). Cultural Intelligence in Organizations. *Group and Organization Management*, 31(1): 20-26.
- Van Dyne, L. Ang, S. & Livermore, D.** (2010). Cultural intelligence: A pathway for leading in a rapidly globalizing world. *Leading across differences*: 131-138.
https://en.wikipedia.org/wiki/Cultural_intelligence - cite_ref-4